



امام زمان(عج) عهد و پیمان هیچ طاغوتی را بر عهدۀ ندارد

امام زمان(عج) فرمودند هر یک از پدرانم بیعت یکی از طاغوت های زمان به گردنشان بود، ولی من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.

امام زمان(عج) فرمودند هر یک از پدرانم بیعت یکی از طاغوت های زمان به گردنشان بود، ولی من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه پنجاه و هفتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

یکی دیگر از اموری که تحت عنوان حکمت غیبت مطرح می کنند این است که اگر امام ظاهر شود، کشته می شود، بنابراین برای ترس از کشته شدن، غیبت وجود دارد. چند روایت رو می خوانم و بعد توضیحی را عرض خواهم کرد.

امام صادق (ع) فرمود «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا بد للغلام من غيبة فقيل له: و لم يا رسول الله؟ قال: يخاف القتل» یعنی سول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: ناچار برای آن کودک (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) غیبتی خواهد بود. پرسیده شد: برای چه؟ فرمود: برای محفوظ ماندن جانم.

زراره از امام باقر (ع) نقل می کند «إِنَّ لِلْغُلَامِ، غِيْبَةَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ وَ هُوَ الْمَطْلُوبُ تَرَاثَهُ.» قلت: و لم ذلك؟ قال: يخاف، و أومي بيده إلى بطنه؛ یعنی القتل» یعنی به درستی که برای کودک، پنهان شدنی پیش از قیام است و او کسی است که میراثش طلب کرده می شود. عرض کردم: سبب پنهان شدن او چیست؟ فرمود: بیم کشته شدن را دارد.

اما نکته ای که وجود دارد این است که ما یک ترس داریم که از سر زبونی و ضعف نفس است که این ترس مذموم است. اما یک ترس داریم که بر اساس تدبیر و تعقل است، این ترس عاقلانه است. ترس مذموم در امام راه ندارد و امام از مرگ نمی ترسد. یکی از علل ترس از مرگ وابستگی به دنیاست که این خاندان ندارند. یکی به خاطر این است که برای آخرت کاری نکرده اند، که این خاندان بری از این معنا هستند. یکی به این دلیل است که به قیمت آباد کردن دنیا، آخرت را خراب کرده اند که باز هم این خاندان دور از این معنا هستند. لذا ترسی از مرگ ندارند. بلکه این ترسی که وجود دارد به خاطر این مسئله است که اهل بیت اگر خونی را در راه خدا می دهند باید ثمره داشته باشند نه اینکه به هدر برود. بنابراین لازم است امام بخشی از زندگی را در غیبت به سر برد، تا شرایط فراهم شود. اگر شرایط فراهم نشود، ولو اینکه کشته شدن در راه خدا وجود داشته باشد، اما این کشته شدن به هدر دادن خون است.

اینکه انسان رعایت هدف را نکند، تهور است. اما اینکه انسان در زندگی رعایت هدف را نکند، شجاعت است. تهور مذموم است اما شجاعت ممدوح است. شجاعت یعنی سنجیده و به موقع کار کردن. امام نمی خواهد کارزار را رها کند، بلکه می خواهد زمانی ورود به کارزار نکند که مثمر ثمر باشد.

امام، چکیده ۱۲۴ هزار پیامبر هستند. در سوره حدید آیه ۲۵، یک رسالت برای انبیا ذکر شده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند.

۱۲۴ هزار پیامبر آمدند تا مردم خواهان عدالت بشوند و عدالت را اجرا کنند. به شهادت تاریخ و وجدان، ما هرگز چنین صحنه ای را در نظام خلقت ندیدم که مردم عموماً خواهان عدالت باشند و مجری عدالت باشند. لذا معلوم است که رسالت انبیا هنوز تحقق پیدا نکرده است.

حال اگر امام بی موقع وارد کارزار شود، درست است که خونس را در راه خدا داده است اما این خون، به هدر رفته و باعث شده هدف ۱۲۴ هزار پیامبر ابر باقی بماند.

اینکه انسان ملاحظه زمان را نکند، از عقل است. پیامبر وقتی به رسالت نائل شدند، ۳ سال بعد این دعوت را علنی کردند و منتظر زمان مناسب بودند. امیرالمومنین وقتی مسیر غدیر به سقیفه سقوط کرد، ۲۵ سال سکوت کردند، چون

ترس از این معنا داشت که رسالت پیامبر از بین برود و منتظر بود زمانی مناسب فراهم آید که رسالت را به مسیر اصلی اش بازگرداند.

لذا وقتی انسان منتظر زمان درست یک کار باشد این عین عقل است و مبتنی بر شجاعت است.

بنابراین یکی از حکمت های غیبت این است که اگر امام ظاهر شوند، به دلیل اینکه بی موقع وارد کارزار شده، خونش به هدر می رود.

امام باقر می فرماید زمانی که قائم قیام کند، وقتی از امام سوال می شود که چرا نبودید؟ این آیه را تلاوت می کند «فَقَرَرْتُ مِثْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِيَ رِجْلِي رِجْلًا وَجَعَلَنِي رِجْلًا مِّنَ الْمُرْسَلِينَ» یعنی پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد.

این مسئله در انبیا سلف و رهبران آسمانی صدر اسلام هم بوده است. پیامبر بعد از ۳ سال، امیرالمومنین بعد از ۲۵ سال سکوت کردند. امام حسن (ع) خلافت را واگذار کردند که رسالت از دست نرود. رعایت شرایط، ترس نیست بلکه عین تدبیر و شجاعت است.

وجه ششمی که در مورد حکمت غیبت بیان کرده است این است که در هنگام ظهور عهد و پیمانی از هیچیک از طوایف و حاکمان معاصر بر عهده نداشته باشند.

راوی از امام رضا (ع) نقل می کند که فرمودند «کأُتِي بِالشَّيْخَةِ عِنْدَ فَتْرِهِمُ الثَّلَاثِ مِنْ وَلَدِي كَالنَّعْمِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ. قُلْتُ لَهُ: وَلِمَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ، فَقُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ» یعنی گویا شیعیان را می بینم که به هنگام فقدان سومین فرزند من، مانند گوسفندانی که به دنبال چوپان خود می گردند سرگردانند و او را نمی یابند. گفتم: چرا اینگونه است، ای پسر رسول خدا؟ فرمود: زیرا امامشان از آنها غایب شده است. پرسیدم: چرا؟ فرمود: برای اینکه به هنگام قیامش با شمشیر، بیعت هیچکس بر گردنش نباشد.

یکی از مهمترین مباحث در معارف اسلامی، بیعت و نقض بیعت است. بیعت یعنی تعهد کردن. تعهد آنقدر اهمیت دارد که در روایات یکی از نشانه های اهل ایمان متعهد بودن به تعهدشان خوانده اند. لذا اگر امام عهد ببندد، پایبند بر عهد است، پس قیام نمی تواند بکند. اما وقتی قیامش در هر زمانی سر بزند، نباید در عهدشکنی باشد، لذا غایب است تا پیمانی بر عهده اش نباشد.

بیعت یک عهد و تعهد با طرف مقابل است و نسبت به حفظ تعهد دستورات اکیدی در شرع مقدس وجود دارد و نمی توان آن را شکست. بنابراین وقتی امام زمان غائب باشند، دیگر نیازی پیدا نمی شود تا همچون پدران گرامی خود، برای حفظ ظاهر و از باب ناچاری با قدرتمندان و زورگویان زمان خود بیعت کند و در واقع اعلان عدم جنگ با آنها بدهد. این سیره برای همه ائمه قبل از امام عصر جاری بوده و از آنجا که نمی خواستند با طاغوت های زمان خود علناً اعلام جنگ کنند، لذا ظاهراً با آنها بیعت می کردند یا لاقلاً با آنها پیمان صلح برقرار می کردند (مثل امام حسن) این بیعت به معنای قبول مشروعیت خلافت غاصبان خلافت نبوده، اگر امام با معاویه بیعت می کند، مشروعیت او را امضا نمی کند، بلکه صرفاً اعلامی داشته که امام با آنها قصد پیکار و مقابله آشکار ندارد.

لذا هر وقت به ائمه می گفتند چرا قیام نمی کنید، آن حضرات سکوت می کردند، چون اعلام عدم جنگ کردند. ظالمان هم به همین مقدار راضی می شدند ولی البته بعدها خبائث خود را آشکار می کردند و ائمه را با دسیسه های مختلف به شهادت می رساندند. چون امام را مانع سر راه خود می دانستند.

به بهانه اینکه امام کاظم می خواهد با حکومت بجنگد تا ۱۴ سال به زندان انداختند در حالی که امام چنین قصدی نداشتند.

در میان امام گذشته حضرت سیدالشهدا در زمان حکومت معاویه عهد و پیمان با او را نقض نکردند، تا وقتی یزید به حکومت رسید و از امام بعیت خواست، ایشان از بیعت سر باز زدند و به همین علت کار به جنگ با یزید و شهادت آن حضرت منتهی شد.

چون بیعت نکرد به شهادت رسید. لذا امام بیعت نکرد چون می دانست در اینجا اگر به شهادت هم برسد، خونش مثمر است نه اینکه به هدر برود.

همه ائمه حتی سیدالشهدا در زمان معاویه، عهد و پیمانی با طاغوت زمان خود بر عهده داشتند. اما از آنجا که رسالت امام عصر با دیگر ائمه متفاوت است و به امر خداوند باید در هنگام ظهور با همه متسکبران و زورگویان عالم مبارزه و مقابله کند، لذا از جانب خدای متعال چنین مقدر شده که ایشان از سوی هیچ قدرتمدی پیمانی بر عهده نداشته باشد. علت غیبت ایشان هم در حدیثی که عرض کردم به همین معنا آمده است.

لذا ائمه با خلفای زمان خود بیعت به معنای اعلام عدم جنگ می کردند نه اینکه مشروعیت آنها را تایید کنند.

امیرالمومنین می فرماید «لِلْقَائِمِ مِثْلُ غَيْبَةِ أَمْدِهَا طَوِيلٌ كَأَيِّ يَالشَّيْعَةَ يَجُؤُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُؤُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَ أَلَا قَمَنْ تَبَتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمْدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْقَائِمَ مِثْلًا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخَفَى وَوَلَدَتْهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ» یعنی برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است گویا من شیعه را می بینم که در غیبتش چون چهارپایان جولان می زنند و چراگاه می جویند و بدست نمی آورند هلا هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام دلش دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من با من است سپس فرمود برآستی قائم ما چون قیام کند برای کسی در گردن او بیعتی نباشد و از این جهت است که ولادتش پنهان و شخص او غائب است.

این حکمت از زبان خود امام زمان هم در توقیعی بیان شده است.

اسحاق ابن یعقوب از امام زمان (عج) نقل می کند «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاعِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِيَّيْ أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي» یعنی هریک از پدرانم بیعت یکی از طاغوت های زمان به گردنشان بود، ولی من در حالی قیام خواهم کرد که بیعت هیچ طاغوتی به گردنم نباشد.